

محمد جعفریان

در آیات قرآن کریم و نیز روایات اسلامی
مشاهده‌ای شده است؛ تا آنجا که خداوند
متعال بر پیامبر اکرم (ص) نیز امر بدان داد که با
افراد صالح و پاک سرشت، نشست و برخاست
کند.
وَاضْبُرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْقَدَاةِ
وَالْعَشِيِّ

هرچند که آن پیشوای عالی مقام به زیور
عصمت آراسته شده، اما خداوند با این کلام به
مردم نیز می آموزد که عوامل محیطی و
اطرافیان در منش و شخصیت انسان تأثیر
بسیزایی دارند و در جای جای قرآن تأکید
خداوند بر مجالست با نیکان و صالحین، به
چشم می خورد.



يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ
الصَّادِقِينَ

تأثیر الگوها از نظر اسلام

و نیز نقل شده است :

عیسی بن مریم علیه السلام فرمودند : از شخص بدکار ، بدی سرایت می کند و همنشین بد انسان را به هلاکت می اندازد ؛ پس بنگر با چه کس همنشین می شوی .^۴

تأثیر بار و همنشین منحرف به گونه ای است که گروهی در روز قیامت سرانگشت حسرت به دندان می گزند و از اینکه شخص خاصی را دوست و همنشین خود قرار داده اند فریاد دارند .

وَيَوْمَ يَمَسُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ وَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي
اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا ، يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ
فُلَانًا خَلِيلًا

روش انسان بر طبق سیره دوست و همنشین است .^۵ حتی تأثیر به گونه ای است که هر فرد را به صفات دوستانش می توان شناخت .

الگوها در اسلام

بهترین و کاملترین الگوهای انسان در زندگی ، پیامبران و ائمه علیهم السلام و پس از آنان بزرگان و انسانهای پاکی هستند که از رسولان و پیشوایان مذهبی پیروی می کنند و سعی بر انطباق اندیشه و رفتار خویش با آنان داشته اند . خداوند در مورد پیامبر اسلام (ص) می فرماید :

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ

و نیز در خصوص اطاعت و پیروی از آن حضرت فرموده است که اگر می خواهند به

همنشینی با انسانهای دیگر در ما تأثیر گذار است ؛^۳ لذا داشتن همنشینی شایسته بهتر از تنهایی است ؛ اما چنانچه همنشین صالح و شایسته نباشد ، تنهایی از آن بهتر خواهد بود .^۴ در آیات قرآن کریم انسانها از مجالست و همراهی با افراد زشت کار و منحرف باز داشته شده اند .

فَلَا تَقْعُدُوا مَعَ الذُّكْرَىٰ مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ^۵

امیر مؤمنان علی (ع) ، آن هنگام که مالک اشتر نخعی را به امارت مصر گسیل می دارد ، نامه ای برای او می فرستد و در آن وظایف و تکالیف وی را گوشزد می کند . در این نامه ارزشمند ، حضرتش مالک را از مشورت با بخیل ، ترسو و حریص باز می دارد ، چرا که هر یک به نوعی در انسان تأثیر سوء دارند .

در مشورت خود بخیل را راه مده ، چرا که تورا از نیکو و بخشش باز داشته ، از بی چیزی و فقر می ترساند و نیز ترسو را در مشورت خود راه مده ، زیرا که تورا از اقدام در کارها سست می گرداند ، و نه حریص را ، که ستمگری را در نظرت جلوه می دهد .^۶

در روایات دیگر نیز مؤمنان از مجالست با افرادی که تأثیر سوء بر انسان داشته باشند نهی شده اند ؛ چنانچه از امام صادق علیه السلام روایت شده است :

شایسته نیست که مرد مسلمان ، با شخص تبهکار طرح برادری افکند ، زیرا که کردار خود را برایش بیاراید و دوست دارد که آن مسلمان همچون او شود ، و او را نه در کار دنیا و نه در کار آخرت کمک نکند ، رفت و آمدش برای او ننگ است .^۷

ابراهیم و کسانی که با اویند، الگوهای نیکویی
برای شما هستند.^{۱۸}

اسلام بر آن تأکید دارد که انسانها، خصایص
و خصلتهای شایسته را باید از هر فردی که
می‌توانند بگیرند و آنها را در خود تقویت کنند.
همچنین در روایات از خصایص حیوانات نیز
سخن به میان آمده است و گاه افراد نیک کردار
در خصیصه یا خصایصی به حیوانی تشبیه
شده‌اند. تشبیه شیعیان به زبور عسل^{۱۹} نشانگر
پرکاری، صفا، پاک‌ی، زمزمه کردن قرآن و یا
چیزهایی مشابه آن می‌تواند باشد؛ و یا آنکه
حیوانی را به عنوان الگو در موردی یا مواردی ذکر
نموده‌اند.^{۲۰}

ویژگیهای الگو

در انتخاب سرمشق برای یادگیری از راه
مشاهده، دونکنه مهم را باید در نظر گرفت.
نخست اینکه بین سرمشق و سرمشق‌گیرنده باید
نوعی سنخیت و شباهت وجود داشته باشد. این
شباهت می‌تواند جنبه‌های مختلف سن، سال
تحصیلی، علاقه، وضع ظاهری، تجربه و از این
قبیل را شامل شود. پژوهشهای مختلف نشان
داده‌اند که هرچه از این لحاظ بین سرمشق و
سرمشق‌گیرنده شباهت بیشتری وجود داشته
باشد، یادگیری از راه مشاهده بهتر صورت می-
گیرد. دومین نکته‌ای که در آموزش از راه
مشاهده باید مورد تأکید قرارگیرد این است که
سرمشق باید دارای خصوصیات و ویژگیهایی
باشد. هر اندازه این ویژگیها در سرمشق قویتر
باشد، تقلید و همانند سازی قویتر و بیشتر انجام
می‌پذیرد. در زیر به برخی از این ویژگیها اشاره
شده است:

دوستی و محبت خداوند نزدیک شوند، باید از
پیامبر اکرم تبعیت کنند.

قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ
وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ^{۱۱}

قرآن کریم، به صورت مستقیم و غیر مستقیم
پیامبران و اولیاء الهی را به عنوان الگو معرفی
می‌کند، گاه با تأکید کلی آنان و زمانی با ذکر رفتار
پسندیده‌ای از ایشان:

فَنَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ^{۱۲}
... إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ^{۱۳}

وَوَهَبْنَا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ
صِدْقٍ عَلِيًّا، وَادَّكَّرَ فِي الْكِتَابِ مُوسَى إِنَّهُ كَانَ
مُخْلِصًا وَقَانَ رَسُولًا نَبِيًّا^{۱۴}
وَادَّكَّرَ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ
وَقَانَ رَسُولًا نَبِيًّا وَقَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ
وَقَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا^{۱۵}

قرآن کریم، پس از پیامبر اکرم، ائمه علیهم
السلام را به عنوان الگو و سرمشق معرفی کرده،
امر به اطاعت آنان می‌نماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ
وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ^{۱۶}

پس از انبیاء و ائمه، انسانهای پاک سرشت و
پرهیزگار می‌توانند الگوی ما قرار گیرند.

قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ
مَعَهُ.

۱- گرمی و صمیمیت

آن عیوب از همه سزاوارتر است. درصدد مباحث که عیب پنهانی آنها را به دست آوری، بلکه وظیفه تو آن است که آنچه برای ظاهر گذشته، اصلاح کنی... برای مراجعان خود وقتی را مقرر کن که به نیاز آنها شخصاً رسیدگی کنی، مجلس عمومی و همگانی برای آنها تشکیل ده و درهای آن را به روی هیچ کس نبند و به خاطر خداوندی که تورا آفریده تواضع کن و لشکریان و محافظان را از این مجلس دور ساز تا هرکس با صراحت و بدون ترس و لکنت سخنان خود را با تو بگوید... هیچ گاه خود را زمانی طولانی از رعیت پنهان مدار...

هراندازه که الگو با فرد رابطه گرمتر و دوستانه تری داشته باشد، احتمال سرمشق‌گیری بیشتر و بیشتر می شود. شاید علت عمده تأثیر گروه‌های همسال، همین گرمی و صمیمیت درگروه باشد. اگر معلم سعی بر آن دارد که به عنوان الگویی برای کودکان و نوجوانان درآید، باید تلاش کند که با آنان دوستانه تر برخورد کند، در صحبت‌های آنان وارد شود و به طور کلی "کودک دانا باشد." پیامبر اکرم می فرماید:

مَنْ كَانَ لَهُ صَبِيٌّ فَلْيَتَصَّاتْ لَهُ

هرکس کودکی دارد، باید کودکی کند.

انسانها با فردی همانند سازی می کنند که آنها را درک کرده، با ایشان رفتار صمیمانه تری داشته باشند. خداوند به پیامبر اکرم می فرماید:

فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَفُتُّوا مِنْ حَوْلِكَ^{۱۱}

امیر مؤمنان علی (ع) در نامه خود به مالک اشتر می فرماید:

قلب خویش را نسبت به ملت خود مملو از رحمت، محبت و لطف کن و همچون حیوان درنده ای مباش که خوردن آنان را غنیمت شماری! زیرا آنها دوگروه بیش نیستند: یا برادران دینی تو هستند و یا انسانهایی همچون تو.

و نیز می فرماید:

مردم عیوبی دارند که والی در ستر و پوشاندن



لَهُ حَسَنَةٌ وَمَنْ فَرَّحَهُ فَرَّحَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

پیامبر اکرم : هرکس فرزندش را ببوسد، خداوند برای او حسنه ای ثبت می کند و هرکس فرزندش را خوشحال کند، خداوند او را در روز قیامت خوشحال و مسرور خواهد ساخت .

این رفتار گرم و صمیمانه در حدی است که پیامبر حتی به عیادت یهودی بیمار می رود و از او دلجویی می کند.

۲ - قدرت علمی

هر اندازه که فرد از جهت علمی قویتر باشد امکان الگو قرار گرفتن او نیز بیشتر خواهد بود. عده زیادی از مردم خواستار کسب علم و دانش هستند و هرکس که آن را در دست داشته باشد و بتواند گره از مسائل علمی افراد بازکند، مردم به او گرایش بیشتری پیدا خواهند کرد و از او تأثیر پذیری بیشتری خواهند داشت . این است که خداوند پیامبرانش را به این زیور، آراسته است .

وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا

و امیر مؤمنان (ع) فرمود:

سَلُّونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي

همواره پیامبران الهی و ائمه علیهم السلام از این جهت در صدر قرار گرفته و همگان تأکید کرده اند که فاضل تر و داناتر از آنان ندیده اند. مناظره پیامبر اکرم با یهودیان ، سخنان پرمعنای امیرمؤمنان که نهج البلاغه گوشه ای کوچک

محبت و گرمی در روابط ، همیشه در صدر برنامه های پیامبران و ائمه (ع) قرار داشته و گذشتهها، اینارها و بخششهای آن بزرگان همواره زیانزد عام و خاص بوده است .یکی از راههای ایجاد ارتباط و صمیمیت با دیگران ، احترام اولیه و سلام کردن به آنان است ؛ چنانچه پیامبر اکرم

(ص) هرگاه که فردی به مجلس آن حضرت وارد می شد جایی را برای او باز می کردند و با کمال خوشرویی به او سلام می نمودند و هیچ گاه نشد که فردی در سلام کردن بر آن حضرت پیشی بگیرد. از آن حضرت روایت شده است که:

خَمْسٌ لَسْتُ بِتَارِكِهِنَّ حَتَّى الْمَمَاتِ... وَ تَسْلِيمِي عَلَى الصَّبِيَّانِ لِيَكُونَ سُنَّةٌ مِنْ بَعْدِي

پنج چیز است که آن را تا هنگام مرگ ترک نخواهم کرد... و سلام کردن بر کودکان را، تا بعد از من به عنوان سنت برجای بماند.

و نیز روایت شده است که :

وَكَانَ النَّبِيُّ إِذَا أَصْبَحَ مَسَّحَ عَلَى رُؤُوسِ وُلْدِهِ

به هنگام صبح پیامبر بر سر فرزندانش دست نوازش می کشیدند.

اولیاء دین بر رابطه گرم و صمیمی با فرزندان تشویق و تأکید داشتند، چرا که اگر فرد از خانواده بی محبتی بیند زودتر و سریعتر جذب افراد منحرف می شود.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: مَنْ قَبَّلَ وَلَدَهُ كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ

بالتر باشد، احتمال الگو قرار گرفتن او بیشتر خواهد بود. رهبران اجتماعی عموماً دارای چنین موقعیتی هستند. قدرت اجتماعی، قاطعیت در امور، تلاش، قدرت جسمانی، پاکدامن بودن و باهدف زندگی کردن از عوامل مهم و تعیین کننده در این امر هستند. مردم، خصوصاً جوانان به دور کسی جمع می شوند که دارای قدرتی بیش از دیگر افراد عادی باشد. دختر حضرت شعیب (ع) در مورد حضرت موسی (ع) به پدرش می گوید:

يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ
الْأَمِينُ^{۲۲}

ای پدر او را برای کار دعوت کن، زیرا بهترین کس برای انجام کار، فردی است که قوی و امین باشد.

از بعد علمی و ادبی آن حضرت رانشان می دهد، بحث و مناظره امام صادق (ع) با مخالفانی چون ابن ابی العوجاء، احتجاج امام رضا (ع) با روءسای مذاهب مختلف و سخن گفتن در زمینه علوم گوناگون که بسیاری از آنها پس از گذشت قرنها بر انسانها مکشوف شده است، نشانگر وسعت و عمق علوم آنان است.

از آنجا که مسلمین با علم اندوزی می توانند مردم دیگر مذاهب را متوجه خود سازند، تأکید بر این امر بسیار انجام گرفته است. چنانچه امام صادق (ع) می فرمودند: دوست دارم که با تازیانه بر سر دوستان خود بزنم تا آنان علم بیاموزند.

لَوَدِدْتُ أَنَّ أَصْحَابِي صَرَبْتُ رُؤُوسَهُمْ بِالسَّيَاطِ
حَتَّى يَتَّقَهُوَا

تبیغ علم از تیغ آهن تیزتر
بل ز صد لشکر ظفر انگیزتر
تأکید بر علم آموزی و دانش اندوزی در
اسلام بسیار زیاد است:

پاورقیها:

- ۱ - کهف - ۲۸، و با کسانی که صبح هنگام و شبانگاه پروردگارت را می خوانند همراه باش.
- ۲ - توبه - ۱۱۹
- ۳ - المجالسه مؤثره
- ۴ - الوحده خیر من جلیس السوء
- ۵ - انعام - ۶۸
- ۶ - نهج البلاغه فیض، نامه ۵۳
- ۷ - اصول کافی، جلد ۴، صفحه ۴۵۴
- ۸ - اصول کافی، جلد ۴، صفحه ۴۵۴
- ۹ - فرقان - ۲۸ و ۲۹
- ۱۰ - المرء علی دین خلیله و قرینه

أَطْلُبُوا الْعِلْمَ مِنَ الْمَهْدِ إِلَى اللَّحْدِ
زگهواره تا گور دانش آموزید.

مَنْ لَمْ يَتَعَلَّمْ فِي الصَّغَرِ، لَمْ يَتَقَدَّمْ فِي الْكِبَرِ

کسی که در کودکی دانش نیندوزد، در بزرگسالی پیشی نمی گیرد.

۳ - موقعیت اجتماعی

هر اندازه که فرد دارای موقعیت اجتماعی

سوم: آنکه او را خانه و لانه ای معین نیست و هر جا که رود، رفته است و این علامت متوکلان است.

چهارم: آنکه اغلب اوقات گرسنه است و این، عادت صالحان است.

پنجم: آنکه اگر او صدتازیانه از دست صاحب خود خورد، در خانه او را رها نمی سازد و این صفت مریدان است.

ششم: آنکه شب هنگام به جز اندکی نمی-آرامد و این حالت مجبان و دوستداران است.

هفتم: آنکه رانده می شود و ستم می کشد، لیکن چون بخواندش بدون دلگیری باز می-گردد، و این نشانه فروتنان است.

هشتم: آنکه به هر خوراک که صاحبش به او دهد راضی است، و این حال قانعان است.

دهم: آنکه چون بمیرد، میراثی به جای نگذارد و این، حالت زاهدان است.

۲۱ - آل عمران - ۱۵۹

۲۲ - قصص - ۲۶

۱۱ - احزاب - ۲۱، و پیامبر خدا برای شما الگو و سرمشقی نیکوست.

۱۲ - آل عمران - ۳۱

۱۳ - آل عمران - ۳۹، ملائکه او (حضرت زکریا) را ندا دادند در حالی که در محراب به عبادت و نماز مشغول بود.

۱۴ - توبه - ۱۱۴

۱۵ - مریم - ۵۰ و ۵۱

۱۶ - مریم - ۵۴ و ۵۵

۱۷ - نساء - ۵۹

۱۸ - ممتحنه - ۴

۱۹ - شیعتنا کالنحل

۲۰ - حضرت علی (ع) فرمودند:

خوشا به حال آن کس که چون سگان زندگی کند. در این حیوان ده خصلت است که مؤمن به داشتن آن سزاوار است:

نخست: آنکه سگ را در میان مردمان قدری نیست و این همان حال مسکینان است.

دوم: آنکه مالی و ملکی از آن او نیست و این همان صفت مجردان است.

بقیه از صفحه ۹۱

در زمینه درس و مشق و نمره نباشد. دقت داشته باشید که محورهای وجودی او باید همانند یک شجره طیبه در همه ابعاد و شاخه ها رشد کند. او را در زمینه های ورزشی، هنری، کارهای دستی، نویسندگی، مطالعه آزاد، سفر و... تشویق کنید به او فرصت دهید که خودش را دریابد و آزادانه و آگاهانه رشد کند. در این صورت به دیگران نیز خواهید فهماند که فرزند شما عروسکی پشت و پتین نیست. او نیز با همت فردی و شخصیت مستقل از یک زندگی پویا و مولد برخوردار گردیده، فرصت شکوفایی ذهنی، خلاقیت و نوآوریها را خواهد داشت.

نمره بیست بگیرد. هرگز از اینکه او بعضاً نمره کمتر از ۲۰ می آورد دچار تأسف نشوید و نگذارید که احساس ارزشمندی خود را از دست بدهد؛ مهم پرورش فرد است و نه نمرات ۱۹ و ۲۰.

در ارتباط با لباس پوشیدن نیز بر اساس موازین اسلامی او را تشویق کنید و از دخالتهای بی مورد در کارهای او اکیداً خودداری فرمایید. همواره در حضور دوستان و اعضای فامیل اگر ضرورتی داشت از تلاشهای او صحبت کنید و نه از نمرات و رتبه اول شدن آنها. باید توجه داشته باشید که صحبت های شما و پدرشان صرفاً